

جنگ نرم و رویکرد نرم‌افزاری امنیت

مرتضی علویان^۱

ملیحه نیکروش^۲

تاریخ پذیرش ۹۳/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت ۹۳/۰۷/۲۵

چکیده

هسته مرکزی روابط بین‌الملل فراتر از امنیت و راه‌های تحصیل آن توسط بازیگران بین‌المللی، مربوط به حوزه جنگ، تهدید به جنگ و راهبردهای پدافندی علیه آن است. از این رو، بحث جنگ و اشکال متنوع آن بر محیط بین‌المللی سایه افکنده و عناصر و مفاهیمی همچون «امنیت» را تحت تأثیر قرار داده است، به گونه‌ای که امنیت و مشتقات آن تحت تأثیر چهره‌های ژانوسی جنگ میان دولت‌ها هستند. پرسش اساسی در این نوشتار این است که تحول جنگ از رویکرد کلاسیک به رویکرد نرم‌افزاری و نوین چه تأثیری بر تحول گفتمانی امنیت داشته است؟ بر این اساس، فرضیه پژوهش که عبارت است از تغییر شیوه‌های جنگ از سخت به نرم، بسترهای تغییر امنیت از کلاسیک به سوی امنیت نرم را سبب شده و دگرگونی اساسی را در حوزه امنیتی فراهم آورده است و این حرکت با توجه به منطق جنگ‌های نرم افزارانه یک ضرورت و الزام محسوب می‌شود. کاهش گرایش نظامی در جنگ‌های نوین، دامنه تهدیدات امنیتی علیه کشور هدف را فزونی بخشیده است به گونه‌ای که تأمین امنیت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی ضروری گشته است و به همین خاطر توجه به امنیت نرم در قبال جنگ نرم که تهدیداتی در تمامی سطوح غیر نظامی را به همراه دارد الزامی است. در این پژوهش برای اثبات فرضیه‌ها و پاسخ‌دهی به سؤالات، از روش اسنادی و با رویکردی پژوهشی و تحلیلی بهره گرفته شده است.

واژگان کلیدی: جنگ نرم، امنیت، تحول گفتمان، امنیت نرم، رویکرد نرم‌افزاری.

^۱ استادیار علوم سد یاسید دانشگاه مازندران. M.alavian@umz.ac.ir
^۲ کارشناس ارشد علوم سد یاسید دانشگاه مازندران، malihenikraves@ymail.com

مقدمه

طرح مفهوم قدرت نرم^۱ از سوی جوزف نای^۲ منجر به طرح چشم انداز نوینی در مطالعات سیاسی-امنیتی گردید که می‌توان از آن به نرم افزارگرایی قدرت تعبیر نمود. تحولی بزرگ که نه تنها اهداف، بلکه ابزارهای اعمال قدرت را تحت تأثیر قرار داد. با عنایت به اهمیت مفهومی و کاربرد علمی اصطلاح نرم افزارگرایی، شاهد توسعه‌ی سریع آن در بخش‌های متفاوتی از دانش و عمل سیاسی هستیم که نتیجه آن را در تولید مفاهیم تازه‌ای همچون تهدید نرم، امنیت نرم، استراتژی نرم، سیاست نرم و غیره، می‌توان مشاهده نمود. از جمله مفاهیم جدید تولید شده، جنگ نرم^۳ است که افزون بر ملاحظات مفهومی-نظری، از حساسیت بالای کاربردی نیز برخوردار است (افتخاری، ۱۳۹۰: ۹). البته این مفهوم و به طور کلی مشتقات جنگ، همواره با میزانی از ابهام همراه هستند. از یک سو، رویکردهای متفاوت امنیت ملی، هر کدام حسب مبانی و اصول خود، برداشت و تعریف خاصی از تهدید و ماهیت آن دارند و از سوی دیگر می‌توان گفت که در نظریه‌های مختلف امنیتی، جنس تهدید، همواره با میزانی از توانایی و قدرت که بتواند منافع و ارزش‌های حریف را به چالش بکشد، توأم می‌باشد.

هر دولت و جامعه‌ای برای استحکام فیزیک خود نیازمند یک ایده‌ی پیوند دهنده و ایدئولوژی سازمان دهنده است و اگر فاقد این اتصال دهنده باشد، در شرایط رقابت آمیز بین‌المللی از لحاظ ادامه‌ی موجودیت با مشکل مواجه خواهد شد. ایدئولوژی‌های سیاسی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی می‌توانند در خدمت ایده‌ی دولت قرار گیرند و به طور تنگاتنگی با ساختارهای نهادینه‌ی دولت مرتبط گردند. در برخی از اوقات یک ایدئولوژی سازمان دهنده، عمیقاً در دولت جا افتاده است که تغییر آن عواقب شدید و ویران کننده‌ای دارد. جنگ نرم تلاش می‌کند تا این بنیان‌های اساسی و ارزش‌های

1 . Soft Power

2 . Joseph Nye

3 . Soft War

خاص هر نظام که ایده دولت آن را تشکیل می‌دهند، هدف قرار دهد، و تا به جایی پیش رفته که در عصر کنونی بدون لشکر کشی، کشور گشایی را امکان پذیر نموده و برای صاحبان قدرت از طریق فرهنگ سازی و همسان سازی فرهنگی، امکان شکل دهی و مدیریت افکار عمومی را فراهم نماید و در این مسیر، تحول در نظریه‌ی امنیت ملی و موسع شدن ابعاد امنیت و نقش پیدا کردن ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در امنیت نیز زمینه را برای تحول تهدید فراهم نموده است. این وضعیت تحول در جنس تهدیدها و جنگ‌ها با افزایش ایفای نقش ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در عرصه‌ی امنیت ملی از یک سو و پیشرفت و توسعه‌ی فناوری ارتباطات از سوی دیگر، سبب شده است که قدرت‌های بزرگ، اعمال قدرت نرم به منظور شکل دادن به جنگ علیه بازیگر مقابل را دنبال کنند. (مرادیان، ۱۳۹۰: ۱۲۲-۱۲۰) بنابراین بر خلاف گذشته و جنگ‌های پیشامدرن که امنیت سخت را الزامی می‌نمود، امروزه با گسترش تهدیدات و جنگ نرم، اتخاذ راهبردهای امنیتی نرم یک ضرورت برای بازیگران عرصه ملی محسوب می‌شود. از آنجایی که جنگ نرم به دنبال تخریب ارزش‌های امنیت ملی و فرهنگ‌های رایج است، امنیت نوین هم باید به فکر کاربست استراتژی‌های نرم برای تأمین امنیت دولت‌ها باشد.

گفتمان نرم در ادبیات سیاسی - امنیتی

بن‌مایه و مبنای گفتمان نرم را اطلاعاتی شدن جامعه یا ورود جامعه جدید به عصر اطلاعات تشکیل می‌دهد. عصر اطلاعات که از ربع آخر قرن بیستم آغاز شده است دوره‌ای است که دسترسی به اطلاعات از راه عمومی شدن و به کارگیری فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی تسهیل شده است. فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به فناوری‌هایی گفته می‌شود که در گردآوری، انتقال، ذخیره، بازیابی، پردازش، انتشار و نمایش اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرند. این فناوری‌ها را می‌توان نقطه هم‌گرایی الکترونیک، پردازش داده‌ها و ارتباط دوربرد دانست که بیش از هر چیز بیانگر فناوری اطلاعات می‌باشند و از خلال مجموعه وسیع و متنوعی از مجاری ارتباطی همچون اینترنت، ماهواره، تلفن همراه، تلویزیون‌های کابلی، رایانه‌های خانگی و ویدئو معنا می‌یابند. گذار از جامعه صنعتی به جامعه فرا صنعتی بر این مبنای، به معنای تحولی است که فناوری جدید ارتباطی در میزان تولید و نشر اطلاعات و سهولت دسترسی به آن ایجاد کرده است که به عنوان انفجار اطلاعات از آن یاد می‌شود. بر این مبنای مفاهیمی چون؛

صنعت، امنیت، جنگ، صلح، قدرت، راهبرد و سازمان باید در چارچوبی توضیح داده شوند که «گفتمان نرم» نام دارد. (پورسعید، ۱۳۸۹: ۳۴)

البته باید توجه داشت که مباحث نرم‌افزاری در علم سیاست همیشه مطرح بوده است. در اواخر سده بیستم، انقلاب اسلامی به مثابه انقلابی فرهنگی، نمونه‌ی مشخص طرح ایده به جای زور است که مبنایی کاملاً اسلامی داشت. در حوزه‌ی مطالعات راهبردی این برداشت به مفاهیم مطروحه جوزف نای (Nye, 1990) بر می‌گردد که اولین بار در کتاب «جهش برای راهبری: ماهیت متغیر قدرت امریکا» مربوط می‌شود که به سرعت به مذهب مختار در این حوزه بدل گردید و کشورهای مختلف را به سوی بازتعریف نقش خود در سطح جهان سوق داد. (غرایاق‌زندى، ۱۳۸۸: ۸۲) واژگان سخت و نرم عمدتاً به واسطه دوگانه‌هایی چون زور و هنجار، خشونت و نرم‌خویی تعریف می‌شوند. در عین حال رواج گفتمان نرم^۱ در مطالعات سیاسی و امنیتی در دهه پایانی قرن بیستم به مثابه گشایش افق جدیدی در فهم و تبیین مسائل اجتماعی و راهبردی به ویژه در مطالعات بین‌الملل بود و به اندیشمندان کمک کرد تا علل افول و برآمدن قدرت‌های بین‌المللی و یا استراتژی‌ها را در افقی نوین فهم کرده و توضیح دهند. از دل این گفتمان مفاهیم بسیاری ساخته شده و هنوز هم در حال ساخته شدن است؛ مفاهیمی همچون قدرت نرم، جنگ نرم و امنیت نرم. همچنان که نرم‌افزارگرایی و سخت‌افزارگرایی به عنوان رویکرد سیاستی یا سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گرفت و کاربرد آن به عرصه‌ی داخلی جوامع نیز تسریع یافت (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۳۶). البته بقا و پایداری این گفتمان نیازمند شکل‌گیری زبان سیاسی جدید، همگام بودن با زمان و بهره‌گیری از فضاهاى ایجاد شده جدید می‌باشد. به عبارتی دیگر، امنیت، جنگ و تهدید بر پایه‌ی ملاحظه‌های نرم‌افزارانه در محیط ملی و جهانی هستند و همین ملاحظه‌های نرم‌افزارانه و گفتمان‌های نرم بر تحولات گفتمانی مفاهیم اساسی سیاسی و راهبردهای نرم‌افزارانه و گفتمان‌های نرم بر تحولات گفتمانی مفاهیم اساسی و سیاسی و راهبردی تأثیرگذار بوده است. (نائینی، ۱۳۸۹، ۱۵۹)

گفتمان نرم و بستر برآمدن آن یعنی عصر اطلاعات، ناشی از تحولی نوین و انقلاب در فناوری‌های ارتباطی است که می‌تواند بر همه ابعاد و وجوه محیط راهبردی تأثیر

1 . Soft Discourse

گذارد. تأثیر عمده این انقلاب نوین فناورانه، متوجه میزان انطباق محیط روانی سیاست گذاری و تصمیم گیران با محیط فیزیکی است که سیاست‌های آنها در چارچوب آن اعمال می‌شود. چنانچه عملیاتی بتواند ارتباط این دو محیط را با اختلال مواجه کند و یا میزان انطباق آنها را به کمترین میزان کاهش دهد، قادر خواهد بود از تحقق هدفها و منافع ملی حریف جلوگیری کند و یا هزینه‌های آن را افزایش دهد. عصر اطلاعات به دلیل آنکه موجب پدیده‌ای به نام انفجار اطلاعات است و می‌تواند با افزایش دانش و آگاهی، ارزش‌ها، باورها و یا انتظارات تصمیم گیران را تغییر دهد، بیشترین تأثیر را بر محیط راهبردی جامعه اطلاعاتی می‌گذارد. بر این اساس گفتمان نرم موجب می‌شود محیط راهبردی واجد شش ویژگی جدید شود که در گفتمان سخت یا واقع‌گرا، قابلیت و امکان تحقق نداشتند. این ویژگی‌ها عبارتند از؛ اطلاعاتی شدن، شبکه‌ای شدن، ناملموس شدن، امکان بازیگری قدرت‌های کوچک، خشونت پرهیزی و هویت محوری. (پورسعید، ۱۳۸۹: ۵۲ - ۵۱)

جنگ نرم در ادبیات سیاسی

به تعبیر کلاوزوتیس^۱، جنگ ابزار عقلانی سیاست ملی است. سه کلمه عقلانی، ابزار و ملی مفاهیم کلیدی این پارادایم هستند. از این نگاه، تصمیم به مبادرت به جنگ باید عقلانی باشد یعنی لازم است این تصمیم برای هزینه‌ها و دستاوردهای حساب شده، اتخاذ گردد. همچنین جنگ باید وسیله باشد به این مفهوم که مبادرت به آن باید به منظور نیل به هدفی بوده و هرگز به خاطر خود جنگ نباشد به عبارتی، راهبرد و تاکتیک نیز باید تنها به سمت یک هدف یعنی به سمت پیروزی هدایت شوند. در نهایت جنگ باید ملی باشد یعنی با هدف پیشبرد منافع یک حکومت ملی، تمام تلاش ملت در خدمت هدف نظامی بسیج شوند. بر این اساس کلاوزوتیس جنگ را چنین تعریف می‌کند که؛ «جنگ عمل خشونت‌باری است به قصد این که دشمن را واداریم به اراده ما گردن نهد». از منظری دیگر معیار تفکیک و تعریف، ابزار و شیوه‌های تحمیل اراده است که جنگ را فراتر از تعریف کلاوزوتیس به تبعیت از منافع سخت و نرم قدرت به جنگ سخت و نرم طبقه‌بندی می‌کند. جنگ نرم در مقایسه با جنگ سخت، از ارکان و ابزارها، مخاطبان و نشانه‌های رفتاری مخصوص خود برخوردار می‌باشد که حامل آسیب‌ها و

1 . Clausewitz

پیامدهای متمایزی است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۱۹۱). مجموعه نقصان موجود و شکست‌های متوالی تهدیدات سخت در محیط بین‌المللی، بازیگران را مجاب کرد که به سمت جنگ جدیدی گام بردارند تا هزینه‌ها، چالش‌ها، تلفات مادی و معنوی را بکاهد (ضابط‌پور و قری، ۱۳۹۰: ۹۲). جنگ نرم در حقیقت شامل هر گونه اقدام روانی، تبلیغاتی رسانه‌ای و فرهنگی است که جامعه و گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و اعمال خشونت، رقیب را به انفعال یا شکست وا می‌دارد. بنابراین جنگ نرم عبارت است:

«مجموعه تحولاتی که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول نظام سیاسی گردد. جنگ نرم، سلطه کامل و همه جانبه در ابعاد سه گانه‌ی حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای رفتاری مهاجم محقق می‌شود.» (نائینی، ۱۳۹۰: ۷۶، ۷۵)

به طور کلی در جنگ نرم فریب دشمن به روشی منظم و دقیق، به وسیله‌ی تبلیغات و با بهره‌گیری از ابزار مختلف و با هدف کمک به سیاست خارجی دولت و افزایش شهرت و اعتبار آن و دست‌یابی اعتبار انجام می‌شود. ساختار و شیوه‌های جنگ نرم علیه کشور هدف عبارت است از مردم‌انگیزی، عوام‌فریبی، تبلیغاتی، بحران‌سازی، شایعه‌پراکنی و غیره. البته باید به این نکته مهم توجه کرد که در جهان امروز با پیدایش رسانه‌های جدید و گسترده در جهان و افزایش نقش افکار عمومی و میزان تأثیرگذاری بسیار آن در تصمیم‌گیری‌ها و رفتار دولت‌ها و گروه‌ها در منازعات، پویایی و اثرگذاری جنگ نرم به شدت افزایش یافته است. مسئله دیگر این که، با پایان جنگ سرد و اهمیت یافتن تضادهای هویتی و فرهنگی، جبهه‌ی جنگ نرم نیز تغییرات مهمی پیدا کرد. در نتیجه توجه دولت‌ها در عملیات روانی به ملاحظات غیر ایدئولوژیک، هویتی، اجتماعی توسط یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها، به منظور تأثیرگذاری بر نظرات، احساسات، موضع‌گیری‌ها و رفتار گروه‌های دوست، دشمن یا بی‌طرف، در راستای تحقق سیاست‌های دولت یا دولت‌های مزبور و اهداف آنها خواهد بود. (انعامی علمداری، ۱۳۹۰: ۲۴۴)

با توجه به نشانه‌های جنگ نرم در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌توان آن را انعکاس فضای نامتقارن در رقابت‌های ایجاد شده‌ی سیاست بین‌الملل دانست. جنگ نرم مانند هر گونه منازعه دیگری در محیط اجتماعی، شرایط سیاسی و شکل بندی‌های ژئوپلیتیکی خاصی به وجود می‌آید و رابطه‌ی ارگانیک میان نوع، ابزار و محیط‌های

منازعه وجود دارد که در این میان، جنگ نرم نوعی واکنش نسبت به فضای ژئوپلیتیکی بحران ساز، کنش در جوامع سیاسی پیچیده و همچنین فرایندهایی در فضای عدم تعادل امنیتی است. (متقی، ۱۳۹۰: ۴۴۵-۴۴۲)

ابعاد جنگ نرم

برای جنگ نرم ابعاد گوناگونی بر شمرده‌اند، ولی سه بعد اصلی آن به شرح زیر است:

۱. بُعد فرهنگی

مهم‌ترین بعد جنگ نرم، جنبه فرهنگی آن است؛ چرا که تهاجم فرهنگی، مقدمه‌ی جنگ نرم به شماره می‌آید و عواملان جنگ نرم در پی آن هستند تا با استفاده از ساز و کارها و روش‌های فرهنگی، بر ارزش‌های بنیادی جامعه، نگرش‌های پایه، ترجیحات اساسی، آداب و رسوم، منش و رفتار اجتماعی تأثیرگذارند و آن را دستخوش تغییر قرار دهند. به تعبیر روشن‌تر، عواملان جنگ نرم در پی آن هستند که شهروندان جامعه را وادار به نافرمانی مدنی نمایند تا بر اثر آن، رفتار حکومت و یا حتی نوع حکومت را به تدریج دستخوش تغییر قرار دهند.

۲. بُعد سیاسی

عواملان جنگ نرم تلاش می‌نمایند تا نوع نگرش، موضع‌گیری، کنش و واکنش شهروندان یک جامعه را در برابر حکومت و نهادهای سیاسی آن، دستکاری نمایند و آن را برای دست‌یازیدن به کنش‌های اعتراض‌آمیز، مانند راهپیمایی، تظاهرات، اعتراض و جزء آن، ترغیب کنند. به عبارتی دیگر، عواملان جنگ نرم در پی آن هستند که شهروندان جامعه را وادار به نافرمانی مدنی نمایند تا بر اثر آن، رفتار حکومت و حتی نوع حکومت را به تدریج دستخوش تغییر کنند و مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی نظام سیاسی حاکم را مورد تردید قرار دهند و حتی برخی از آنان جنگ نرم را اقدامی سیاسی می‌دانند.

۳. بُعد اجتماعی

از جمله مؤلفه‌های بعد اجتماعی جنگ نرم، کنش‌های اجتماعی، روابط و تعاملات، آداب و رسوم و رفتارهای جمعی است. عواملان جنگ نرم در پی آن هستند تا بر هویت

مردم جامعه، انسجام اجتماعی، روحیه ملی، سرمایه اجتماعی، الگوهای رفتاری، دلبستگی ملی و غیره تأثیر بگذارند. برخی از صاحب نظران، ابعاد اجتماعی جنگ نرم را شامل بعد شناختی یا ذهنی، بعد عاطفی و هیجانی، بعد منش شناختی، بعد اجتماعی و بعد معنوی و اعتقادی می‌دانند. (قاضی زاده، ۱۳۹۰: ۴۹۵-۴۹۴)

امنیت و مباحث پیرامونی

امنیت از اولین و ضروری‌ترین نیازهای جامعه بشری محسوب می‌شود. این نیاز از زمانی که بشر قدم به عرصه حیات نهاد، پدید آمده است. حکمای یونان باستان، اصلی‌ترین کارویژه‌ی حکومت‌ها را تحقق عدالت به منظور تأمین امنیت انسان‌ها قلمداد کرده‌اند. اندیشمندان عصر روشنگری نیز امنیت را پایه و اساس زندگی بشر و مستحکم‌ترین بستر دوام و بقای جوامع بشری محسوب کرده‌اند. (قالیاف، ۱۳۸۴: ۱۱)

با این وجود امنیت مفهومی است بسیار لغزنده، به گونه‌ای که محمول‌های متعددی را اعم از افراد، جامعه و دولت‌ها را شامل می‌شود؛ در این صورت پرسش از امنیت امری ضروری است. توسعه‌ی حوزه‌ی مفهومی امنیت و طرح مراجع متفاوتی برای این واژه، منجر شده تا امروزه طیف متنوعی از تعاریف و تلقی‌ها از امنیت پدید آید که مانع از کاربرد عام آن می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۴) و همین امر سبب گشته است که باری بوزان (بوزان، ۱۳۸۱) متذکر شود که مفهوم امنیت هم‌چنان به عنوان یک ارزش مناقشه آمیز سیاسی تکامل نیافته و درهاله‌ای از ابهام شفافیت باقی مانده است. (رجبی پور، ۱۳۸۴: ۸۸)

برخی از تعاریف امنیت به شرح زیر است:

از دیدگاه «استانلی هافمن»^۱ امنیت عبارت است از حفاظت از یک ملت، از جمله فیزیکی و مصون و محفوظ داشتن فعالیت‌های اقتصادی آن از جریان‌های ویران کننده‌ی بیرونی. امنیت کسب احترام و اعتبار جهانی، تأمین منافع اقتصادی مردم و هر چیز دیگری است که شان و حیات ملت را می‌سازد. از دیدگاه «ریچارد کویر»^۲ امنیت عبارت است از توان یک جامعه برای حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های خود. (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۵)

1 . Stanly Hofman

2 . Richard Copper

رویکردهای کلی امنیت در مطالعات سیاسی - امنیتی

نظریات در خصوص ماهیت امنیت، در بستر دو گفتمان اصلی سلبی و ایجابی یا گفتمان سنتی و مدرن طرح شده‌اند که هر یک بر وجه خاصی از امنیت نظر دارند و ساز و کارهای گوناگون را برای تحقق امنیت و استمرار آن تجویز می‌کنند و از چشم‌اندازهای مختلفی بهره می‌گیرند (نویدنیا ۱۳۸۸: ۲۵).

گفتمان امنیت سلبی

در این گفتمان امنیت جنبه سلبی دارد و با نبود عامل دیگری که از آن به تهدید، تعریف می‌گردد. (کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۱۴) این گفتمان از پیشینه تاریخی بلندی برخوردار است و شاخصه بارز آن تأکید بر بعد نظامی در مقام تحلیل وضعیت امنیتی است. بنابراین سیاست امنیتی متوجه دست یابی به حداکثر توان نظامی برای تفوق بر دشمنان خارجی و کسب امنیت است و امنیت به عنوان رهایی از وجوه گوناگونی از خطرات تلقی شده است. این تعریف از امنیت مبتنی بر نگرش عینی و واقع بینانه از خطرات فیزیکی و مادی خارجی است یعنی خطرات شامل موضوعات ملموس و مشخصی چون جنگ، خشونت، آشوب و غیره هستند (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۶).

گفتمان امنیت ایجابی

این گفتمان در پی نقد جدی مبانی و اصول گفتمان امنیت سلبی پا به عرصه وجود گذاشت. اگرچه گفتمان امنیت سلبی از حیث سازواری با سیر تاریخ تحولات بشری واقع گرایانه ارزیابی می‌شود اما کاستی‌های فراوانی دارد که در نهایت راه را برای شکل‌گیری گفتمان تازه امنیتی هموار کرد. در گفتمان تازه، امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود بلکه افزون بر نبود تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواست‌های جمعی نیز مد نظر است. در این دیدگاه امنیت شامل توانایی و شرایط عینی می‌شود که در آن بستر می‌توان به منافع همگانی دست یافت.

گفتمان امنیت ایجابی را باید گفت‌مانی تازه در حوزه مطالعات امنیتی به شمار آورد که بیش از دو دهه از عمر آن نمی‌گذرد. با این حال، همین زمان کوتاه برای طرح دیدگاه‌های مختلف در این گفتمان با توجه به سرعت چشمگیر تحولات فکری و اجتماعی کافی است و حوزه‌های گوناگون مطالعاتی و تحقیقاتی را در بر می‌گیرد. پس خطرات، شامل مواردی چون اجبار و تحمیل، تبعیض و هر آن چیزی می‌شود که مانع ترقی و پیشرفت است و به تحقق آرامش و اطمینان لطمه وارد می‌کند (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷).

جنگ نرم (تهدیدات نوین) و تحولات مفهومی امنیت

در اصطلاح زبان شناسان، دال امنیت به مدلولی خاص و ثابت منتهی نمی‌گردد یعنی هیچ رابطه ذاتی، ماهوی و سدیددی بین دال و مدلول امنیتی وجود ندارد. گفتمان-ها برآمده از هویت‌های زبانی هستند و در واقع از آنچه وینگنشتاین آن را بازی‌های زبانی می‌خواند، متمایز می‌گردند. لذا گفتمان نیز به صورت مستمر مشمول عدم ثبات و سیالیت شکلی- ماهوی خواهد شد. (مؤذن جامی، ۱۳۸۴: ۱۰۹) هر گفتمانی مبتنی بر هنجارهایی است که قوام و اعتبار آن گفتمان، به میزان اعتبار آنها می‌باشد. به بیان «پل کورت» و «جفری لگرو»، سه مبنا را می‌توان برای تولید هنجارهای امنیتی یک گفتمان از یکدیگر تمییز داد؛ فرایندهای بوم شناختی، فرایندهای اجتماعی، فرایندهای داخلی. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۳) براساس این سه مبنا می‌توان تحولات گفتمانی امنیت را ارزیابی کرد. بدون تردید، سادگی جوامع گذشته در تولید و امور نظامی و انتظامی و فقدان فناوری‌های پیشرفته از یک سو و خلاء نهادهای آموزشی و تربیتی و خصوصاً نهادهای ارتباطی از سوی دیگر، تأثیرات عمده‌ای بر مفهوم امنیت و سیاست داشته است. تلاش انحصاری دولت برای کسب قدرت و اعمال بی‌قید و شرط آن، عدم توجه به افکار عمومی و فرهنگ توده‌ها و نیز فقدان نهادهای رقیب در کسب قدرت سیاسی از مهم‌ترین مشخصات قدرت در دوران گذشته بوده است. اگرچه واژه‌ی امنیت در طول و بستر زمان باقی ماند اما مفهوم آن از اساس دگرگون شد، به نحوی که از آن می‌توان به عنوان انقلاب در مفهوم امنیت نام برد (صادقیان، ۱۳۸۴: ۷). مرور اجمالی نظریه‌های مطرح در مطالعات امنیتی نشان دهنده‌ی روندی پرفراز و نشیب است که در آن نظریه-ها از ساده سازی بدیهی انگاری و یکجانبه گرایی به سوی تلقی پیچیده بودن امور امنیتی برخورداری امنیت از سطوح و ابعاد گوناگون غیر مادی و اجتماعی بودن امنیت متحول شده‌اند. نظریه‌های امنیت از آرمان گرایی خوش بینانه و واقع گرایی بدبینانه به سرشت انسان و جوامع انسانی شروع شده است که در آن‌ها امنیت دارای مصداقی عینی و بدیهی است که برای همه قابل درک است و بدون پرسش در قالب دولت ملی و حداکثر در سطح جهانی برای دولت‌ها و به طبع برای افراد و شرکت‌های آنها فراهم می‌شود و در این رویکرد، دولت، محور مطالعات امنیتی است و این موجودیت برای برقراری امنیت به وجود آمده و امنیت آن بدون پرسش امنیت افراد و اجزای تشکیل دهنده‌ی آن نیز معنادار است. این تردیدها با تحولات به وجود آمده در عرصه‌ی بین الملل و افول

موقعیت جنگ به عنوان ابزار سیاسی در مناسبات کشورها، افزایش سود اقتصادی صلح و پیدایش وابستگی متقابل میان کشورها، رشد نظام‌های مردم سالار در جهان و حرکت به سوی صلح مردم سالارانه در دوره پس از جنگ سرد تقویت شد و ابعاد جدیدی برای امنیت و تهدیدهای امنیتی مطرح شد (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۱۷)؛ به این صورت که در گذشته جنگ سخت میان کشورها حکم فرما بود و ماهیت تهدیدات، خشن و سخت‌افزاری بود و همین امر ضرورت امنیت سخت را توجیه می‌کرد اما با ورود به عصر نوین که ابزار و تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی رو به گسترش هستند و از ابزارهای نوین علیه کشورهای غیر همسو به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر عرصه و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی، ارزشی و علمی مورد تهدید قرار گرفته‌اند و همین امر سبب گشته است که کشورهای هدف به سوی تأمین امنیت نرم حرکت کنند. جنگ نرم و تهدیدات ناشی از آن در عرصه فرهنگی، اجتماعی، ارزشی و غیره موجب گردید تا امنیت یکجانبه جای خود را به یک امنیت همه جانبه دهد یعنی علاوه بر تأمین نیازهای امنیتی در بعد سخت‌افزاری، نیازهای سایر بخش‌ها را تأمین نماید.

رویکرد نرم‌افزاری امنیت؛ امنیت نرم

برخلاف رویکرد کلاسیک که بر خاستگاه خارجی تهدیدات و ماهیت صرفاً نظامی آن تأکید داشت، در برداشت نرم‌افزاری، ضمن توجه به بعد نظامی، بر نقش عوامل داخلی، شامل عوامل اقتصادی، زیست محیطی، علم و دانایی، کارآمدی و توان سیاست‌سازی، روابط دولت و ملت (مشروعیت سیاسی) و توان یکپارچه سازی (ملت‌سازی) تأکید می‌شود. ارتباط بین ساختارهای پراکنده سیاسی از یک طرف و موج فزاینده فعالیت‌های متقابل بخش‌های مختلف از طرف دیگر سرنوشت‌های مشترکی ایجاد کرده و به وابستگی متقابل امنیتی در گستره وسیعی از مسائل منتهی شده است و در چنین شرایطی دیدگاه‌های محدود از امنیت ملی و استراتژی‌های آن به تدریج نامطلوب می‌شوند. «بوزان» با بیان اینکه هدف از مفهوم گسترده امنیت، کاهش گرایش نظامی از طریق تعمیم دستور کار امنیت به سایر بخش‌هاست، با احصای مصادیق تهدیدات نوین غیر نظامی (جنگ نرم) نتیجه می‌گیرد که دیدگاه گسترده امنیت باید حاوی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز نظامی باشد. (کریمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۲) برای پرداختن به وجه نرم امنیت باید به سه نکته توجه کرد: اول آنکه یک تعبیر می‌تواند این باشد که امنیت نرم و امنیت سخت، دو گونه پرداختن به امنیت است؛ پس باید بین آنها

تمایز روشن و مشخصی در نظر گرفت. در نکته دوم، امنیت نرم و امنیت سخت دو نگاه به موضوعات امنیتی است، بنابراین تفکیک آنها کمکی نمی کند بلکه در عمل و در جهان بیرونی نیز تمایز و تشخیص آنها بسیار مشکل است. سوم آنکه، امنیت نرم به عنوان ماهیت، وجود ندارد بلکه تنها کاربرد وجه نرم امنیت سخت است.

از منظر اول امنیت نرم و امنیت سخت را می توان این گونه فهرست کرد: غیر خشونت آمیز بودن در مقابل خشونت آمیز بودن؛ غیر فیزیکی بودن در قابل فیزیکی بودن؛ غیر نظامی بود در مقابل نظامی بودن؛ تأثیر گذاری بر اراده به جای تأثیر گذاری بر عمل؛ احساس ایمنی داشتن در مواقع مختلف فارغ از ایمن بودن یا نبودن؛ استفاده از منابع غیر ملموس در قبال منابع ملموس؛ مواجهه غیر مستقیم و سایبری به جای مواجهه مستقیم؛ تأکید بوجه فریبایی به جای هراس انگیزی؛ اولویت پذیرش به جای تحمیل؛ انتزاعی بودن تا انضمامی بودن؛ اخلاقی و وظیفه گرا بودن تا نتیجه گرا بودن؛ تأثیر بر ادراک و اذهان و تصویر سازی به جای قابلیت رفتار عینی و برآورد مادی؛ نمادین بودن به جای واقعی بودن؛ ذهنی بودن تا عینی بودن؛ اولیت وجه فرهنگی بر اقتصادی.

از منظر دوم، اگر واژه‌ی امنیت دلالت بر مجموعه موضوعاتی دارد که به تعبیر باری بوزان در جایی بین قدرت و صلح است این موضوع در بسیاری از موارد بین امنیت سخت و نرم یکسان است و هر دو دارای وجوه ایجابی و سلبی هستند. هر دو جنبه داخلی و خارجی دارند. در عین حال مطلق نیستند و تنها در وجه نسبی قابل پیگیری هستند و به این تعبیر، در دو نوعی نگاه یکسان به بحث دارند.

از منظر سوم نیز امنیت نرم از دو حیث به پرورش امنیت سخت کمک می کند: یکی در شکل گیری امنیت سخت و دیگری در تداوم آن. امنیت سخت قبل آنکه اعمال گردد، باید در مورد نحوه، چگونگی، مجری، ابزار، نیات و نتایج آن توافق صورت گیرد. در عین حال، هرگاه این قدرت مورد استفاده قرار می گیرد باید مورد ارزیابی قرار گیرد تا ماندگاری خود را حفظ کند. به لحاظ اهداف، می توان گفت امنیت نرم در سه وجه مقاصد، ابزار و نتایج به دنبال چهار هدف است:

الف) توجه به تهدیداتی که راه حل نرم دارد؛

ب) تبدیل تهدید سخت به نرم؛

پ) رسیدن به اجماع و نقاط مشترک در یک موضوع؛

ت) و در نهایت ایجاد آرامشی که از راه زور قابل دسترسی نیست (غرایاق زندی، ۱۳۸۸:

امنیت نرم اصطلاحی است که در مطالعات امنیتی متأخر غالباً به مثابه وابسته و یا مشتقی از قدرت نرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. به بیان «بوزان» در توضیح علل توسعه نیافتگی مفهوم امنیت، این سطح از وابستگی بین مفهوم امنیت نرم با مفاهیمی چون قدرت نرم و تهدید نرم، به پدیده غفلت از مفهوم امنیت مربوط می‌شود و یکی از دلایل آن را وجود دامنه مشترک بین این مفهوم و مفهوم قدرت می‌داند. امنیت نرم برای نخستین بار توسط راسمسون و جانسون^۱ و در تضاد با مفهوم امنیت سخت به کار رفت. به بیان دیگر امنیت نرم در نظر آنها در چارچوب پیروی از آموزه‌ی عدم خشونت یا خشونت پرهیزی معنا می‌یابد و ساز و کار جوهری آن متقاعد کردن است (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۳۹-۱۳۸). جانسون و راسمسون (Rasmusson and Jansson, 1996) در مجموعه‌ی پارادایم‌های نوین امنیتی این چنین می‌نویسند:

«وقتی به صورت تدریجی و نامحسوس ادراک مردم در مقابل دغدغه‌ها صیانت می‌شود یا هنگامی که اعضای جامعه بسان شبکه‌ای اخلاقی از بروز اختلال ممانعت می‌کنند و مانند دزدگیر ماشین، اقدام دزدانه را افشاء و عمل دزدی را پرهزینه می‌سازند، در جامعه نوعی امنیت نرم برقرار است. در واقع برخلاف امنیت سخت که کنترلی، دستورالعملی، جنجالی و از بالا به پائین است، امنیت نرم متضمن ترغیب به جای کنترل، غیر رسمی به جای دستورالعملی و خاموش به جای جنجالی است و از لایه‌های پائین جامعه صادر می‌شود» (نصری، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

جدا از عوامل و روندهای جهانی و داخلی مؤثر در گرایش کشورها به سوی امنیت نرم، خود این نوع امنیت واجد مختصات و مشخصاتی است که آن را برتر از امنیت سخت می‌نشانند و اهمیت آن را فزون‌تر می‌سازد. اگر تهدید نظامی از سوی دولت‌ها و بازیگران دیگر علیه دولت به عنوان تهدید سخت در نظر گرفته شود، تهدید علیه امنیت از سوی حوزه‌های زیر مطرح است که در حوزه تهدید اقتصادی و تهدید نرم ارزیابی می‌شود و تمرکز اصلی آنها در داخل کشورها است. در امنیت نرم، تهدیدگر چندان مشخص نیست. بلایای طبیعی، گسترش بیماری‌های فراگیر، رشد جمعیت، کاهش تولید مواد غذایی، ناتوانی دولت‌ها در فراهم آوردن زیر ساخت‌های لازم برای انجام فعالیت‌های مفید برای شهروندان می‌توانند بستری برای افزایش آسیب پذیری جامعه در برابر

1 . Rasmusson And Jansson

دیگران باشد و یا جامعه را از درون تهدید کند. از این منظر، تمایزات موجود بین تهدیدگری و آسیب پذیری کم رنگ می‌شود. در امنیت نرم همه بخش‌ها اعم از دولتی و خصوصی، امنیتی و غیر امنیتی، در تأمین امنیت نقش دارند. در امنیت نرم برقراری امنیت اساساً به موازات اجرای سیاست‌های درست و اصولی دولت در سایر زمینه‌ها صورت می‌گیرد. در این بخش‌ها کارشناسان هر حوزه وظایف خود را به نحو مناسب و ممکن انجام می‌دهند. آموزش و تجارب آنها در این زمینه است و انتظار می‌رود در رشته خود بهترین باشند. در همین حال توجه به رفع نیازهای جامعه در حوزه‌های گوناگون غیر امنیتی عموماً بدون ایجاد حساسیت به رفع نیازهای امنیتی جامعه منجر شده و هزینه‌های دولت را در جامعه برای برقراری امنیت کاهش می‌دهد (یزدان فام؛ ۱۳۸۸: ۲۶).

در این الگوی رفتاری، کارشناسان امنیت از متصدیان و مداخله‌گران در بخش‌های دیگر خارج شده و به حوزه تخصصی خود بازگشته و به ناظران حوزه امنیت تبدیل می‌شوند که به هنگام ضرورت وارد شده و در دراز مدت، بسترهای ضروری برای امنیت را به کمک بخش‌های تخصصی فراهم می‌آورند. بالاخره و مهم‌تر از همه اینکه، تهدیدگر امنیت سخت به دولت‌های دیگر و اقدامات نظامی آنها در تدارک حمله علیه کشور دیگر بر می‌گردد، در حالی که امنیت نرم ریشه در اقدامات و برنامه‌های گوناگون دولت و روابط آن با مردم کشور خود دارد؛ در حالی که در قدرت سخت کشورها علاوه بر تلاش برای افزایش و تقویت عناصر قدرت در داخل کشور می‌کوشند با ایجاد ائتلاف و اتحاد با کشورهای دیگر توان خود را تقویت کنند. در این نگرش، بخشی از قدرت کشورها در عرصه بین‌المللی و در ایجاد ائتلاف با کشورهای دیگر جست و جو می‌شود. (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۲۷) با این وجود در عصری که تهدیدات فرهنگی و سیاسی در حال رشد و تکوین هستند، کار بست امنیت نرم امری الزامی و ضروری تلقی می‌گردد و کار ویژه‌ها و مزیت‌های آن نسبت به امنیت سخت، بر اهمیت آن افزوده است.

باز تولید امنیت نرم در بستر ارکان قدرت نرم

به‌طور کلی از دید کارشناسان امنیت نرم از چهار بخش اساسی «موضوعات مرجع امنیت نرم»، «قدرت نرم کشور» و «جنگ نرم دشمن» و «پدیده‌های نرم‌افزاری ناامنی» تشکیل می‌شود. حاکمیت ملی، هویت ملی، روش زندگی، انسجام سیاسی - اجتماعی و تصویر و وجهه بین‌المللی از مهم‌ترین موضوعات مرجع امنیت نرم هستند. بنابراین نوع

رژیم، ارزش‌ها و تکالیف بنیادین رژیم، نهادهای اساسی حاکمیت، احساس امنیت از جانب ارزش‌ها و هنجارها در نزد مردم، وفاق ملی میان مردم، نیروهای سیاسی و نظام سیاسی بر سر مسأله‌های مرتبط با منافع و تهدیدات امنیت ملی، تعامل مناسب با سازمان‌های بین‌المللی و وجهه و آبروی بین‌المللی از مهم‌ترین عوامل مرجع در امنیت نرم است. قدرت نرم در تولید امنیت نرم نقش بسیار مهمی دارد. قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به کارگیری ابزارهای چون فرهنگ، آمال و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. علاوه بر این، قدرت نرم در بعد داخلی به واسطه مشروعیت سیاسی دولت، ایجاد و با افزایش اعتماد، وفاق و همبستگی ملی افزایش می‌یابد. ژوزف نای از پیشگامان طرح قدرت نرم در سال ۱۹۸۹ عنوان می‌کند: قدرت نرم، توجه ویژه به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر، از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند «اطلاعات و دانایی» را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آن‌ها امتیاز بگیرد. قدرت نرم، تبلیغات سیاسی نیست بلکه مباحث عقلانی و ارزش‌های عموم را شامل می‌شود و هدف قدرت نرم، افکار عمومی خارج و سپس داخل کشور است. به‌طور کلی قدرت نرم را با چهار رکن اساسی می‌توان معنا کرد: کارآمدی (حکومت)، سرمایه اجتماعی، اقتدار و جذابیت (Nye, 2002).

کارآمدی حکومت

کارآمدی حکومت که یکی از عناصر و ارکان اصلی قدرت نرم است، ارتباط وثیق و مؤثری با امنیت نرم دارد. کارکردهای اصلی این بازوی امنیت نرم در مهار جنگ نرم، پدیده‌های نرم‌افزاری ناامنی و ترسیم‌کننده آسیب‌پذیری‌ها و حفاظت‌کننده و تقویت‌کننده موضوعات مرجع امنیت نرم است. توانایی دستگاه‌های دولتی در انجام درست و مؤثر وظایف قانونی و مورد انتظار جامعه، توانایی حکومت در حل مسأله‌های مردم، توانایی حکومت در بسیج منابع، امکانات و ظرفیت‌ها در حل مسأله‌ها یا اجرای برنامه‌ها و تصمیمات مشخص، توان تصمیم‌گیری‌های جامع، منسجم و استوار از سوی حکومت و توان اجرایی انعطاف‌پذیر، قاطع، مستمر و سریع حکومت، از معیارهای مهم سنجش میزان کارآمدی حکومت است.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به عنوان دومین رکن قدرت نرم از مجموعه‌ای هنجارها و ارزش‌های موجود در سیستم‌های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه منتج می‌شود و این هنجارها و ارزش‌ها حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی و اقتصادی ما است که دارای ویژگی اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی و غیره است. اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی، رضایت و حساسیت سیاسی از مهم‌ترین مراکز ثقل سرمایه اجتماعی برشمرده می‌شوند. اعتماد اجتماعی هم از انتظار رفتار معتدل و صادقانه میان مجموعه‌ها ناشی می‌شود و به تناسب نوع مجموعه‌ها دارای ابعاد مختلفی است. اعتماد سیاسی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تشکیل‌دهنده قدرت نرم است. اعتماد سیاسی یعنی اعتماد به حکومت، که در اثر رضایت مردم از خدمات دولتی خاص ایجاد شده و با حمایت عام‌تری که عوامل فرهنگی، سیاسی و جمعیت‌شناختی سبب آن می‌شوند، مورد مقایسه قرار می‌گیرد. اعتماد سیاسی مردم سبب افزایش حساسیت سیاسی آن‌ها شده و به تبع، میزان مشارکت و مشروعیت سیاسی نظام افزایش می‌یابد. در تعریف حساسیت سیاسی باید به این نکته توجه داشت که این مفهوم تا حد بسیار زیادی با تأثیرگذار بودن فرد در فرایند سیاسی کشور مطابقت دارد. اگر افراد یک جامعه معتقد باشند که در صورت بروز آراء و نظرات خود با آن‌ها برخورد می‌شود، کم‌کم نسبت به نظام حاکم بی‌تفاوت شده، وفاداری و حمایت آگاهانه آن‌ها از دولت کاهش یافته و آراء و نظرات خود را به صورت انزوای سیاسی، اعتراض، اعتصاب، اغتشاش، شورش و جنگ نشان می‌دهد. این شکل از بیان افکار می‌تواند بی‌ثباتی سیاسی و بحران امنیتی برای دولت بیافریند. بنابراین مشارکت سیاسی که می‌تواند زمینه مشروعیت سیاسی دولت را به وجود بیاورد باید به صورت داوطلبانه، آگاهانه، نهادمند، مستمر و برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی اعم از محلی و یا ملی، با استفاده از روش‌های قانونی صورت پذیرد (ماه پیشانیان، ۱۳۸۸: ۲۴۵-۲۲۳).

اقتدار

نفوذ بر رفتار دیگران است به عبارت دیگر اقتدار قدرت مشروعی است که رهبری جامعه یا طبقه فرادست با تکیه بر این قدرت مشروع دارای آمریت هستند و رهروان

جامعه یا طبقه فرودست به واسطه پذیرش قلبی و عقلی آن قدرت مشروع با رضایت خاطر بر آن گردن می‌نهند به گونه‌ای که این نفوذ آگاهانه و با مطلوبیت و محبوبیت همراه باشد و قبول آن از سوی افراد تحت نفوذ ارادی است، نه از روی اجبار. منشأ اقتدار حق است؛ به واقع در اقتدار منشأ حرکت، حقانیت و مشروعیت است و تجلی حق در اقتدار، قانون پذیرفته شده از سوی جامعه و نقش‌های مبتنی بر آن است؛ (عبدی، ۱۳۹۱: ۱۴) بنابراین، اقتدار سومین رکن قدرت نرم است که از ترکیب سلطه اطلاعاتی و سلطه روانی بر بازیگران ناامنی‌ساز ناشی می‌شود؛ اقتدار به صورت حضور نامحسوس عامل مقتدر در نزد بازیگران ناامنی‌ساز ظاهر می‌شود.

جذابیت

چهارمین رکن قدرت نرم جذابیت کارگزار قدرت نرم است. جذابیت، احترام و منزلت کارگزار و امنیت نزد مخاطب تعریف می‌شود. بنابراین دولت‌ها و نهادهای مرتبط با آن، مردم و نهادهای مدنی ملی و بین‌المللی اصلی‌ترین بازیگران عرصه امنیت نرم هستند. در امنیت نرم «حکومت»، «جامعه مدنی» و «شهروند» سه بازیگر اصلی هستند. در این چارچوب جامعه مدنی نقشی واسط میان حکومت و شهروند ایفا می‌کند. بر این اساس، جامعه مدنی خواسته‌ها و تقاضاهای شهروندان را اخذ کرده و آن را به حکومت منتقل ساخته و پیگیر مطالبات آنان خواهد بود. در این میان رسانه به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش بسیار مهمی در افزایش قدرت نرم یک کشور داشته باشد. از سوی دیگر حکومت نیز مسئول اصلی برقراری نظم و امنیت است با این تأکید که مردم نیز از قدرت سیاسی برخوردار بوده و می‌توانند هم از دولت حمایت کنند، هم آن را مورد نقد قرار داده و درخواست‌های خود را مطرح کنند. رابطه دیگر میان بازیگران، انتقال وظایف تعیین شده از سوی حکومت به مردم از طریق جامعه مدنی است. در امنیت نرم شهروند و جامعه مدنی به عنوان دو بازیگر اصلی، دارای مفاهیمی با بار معنایی گسترده هستند. با توجه به نوع رابطه میان موضوعات مرجع، انسجام سیاسی - اجتماعی به عنوان مرجع پیوند دهنده، دارای نقش اساسی است و هرگونه اختلال در موضوع مرجع باعث گسست اساسی میان حاکمیت به عنوان موضوع مرجع دولت پایه با موضوعات مرجع جامعه پایه خواهد شد. بنابراین موضوعات مرجع، تعیین‌کننده نهایی وضعیت کشور در چارچوب امنیت نرم بوده و مبنای قدرت نرم در مصونیت‌بخشی و حفاظت و همچنین جنگ نرم در حمله و ایجاد خطر است. ضمن آنکه رخدادهای

امنیتی نیز دارای همبستگی با آن است. جنگ نرم در واقع مجموعه تهدیدات نرم‌افزاری را در الگوی امنیت نرم تشکیل می‌دهد که آماج اصلی آن موضوعات مرجع امنیت نرم است. بر این اساس میان جنگ نرم و تهدیدات مرتبط با آن با آسیب‌پذیری‌ها یک رابطه همبستگی سطح بالا وجود دارد. به طوری که تهدیدات نرم صرفاً به دنبال بهره‌برداری از آسیب‌های موجود نیست بلکه یکی از آماج‌های آن ایجاد آسیب‌پذیری است. آسیب‌پذیری‌ها بدون واسطه مرتبط با موضوعات مرجع امنیت نرم است و بر اثر اختلال، ناکارآمدی و ضعف ناشی از موضوعات مرجع امنیت نرم ایجاد می‌شود. کانون اصلی قدرت نرم، کارآمدی حکومت در تولید و مهندسی امنیت از یک‌سو و مدیریت ناامنی از سوی دیگر است. بر این اساس میان قدرت نرم، جنگ نرم، آسیب‌پذیری‌ها و پدیده‌های نرم‌افزاری ناامنی، یک رابطه متقابل وجود دارد. پدیده‌های نرم‌افزاری سر باز کردن تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها، علامت ناتوانی اولیه قدرت نرم در جلوگیری از ظهور و بروز آن است. اما از سوی دیگر میان قدرت نرم و جنگ نرم نیز رابطه همبستگی وجود دارد؛ (ماه پیشانیان، ۱۳۸۸: ۲۵۶-۲۲۳) به گونه‌ای که تصعید جنگ نرم می‌تواند نشان‌دهنده افول قدرت نرم باشد و یا افول جنگ نرم دشمن می‌تواند ناشی از تصعید قدرت نرم خودی باشد.

نتیجه‌گیری

بعد از مطرح شدن قدرت نرم از سوی جوزف نای، مباحث نرم‌افزاری در مطالعات امنیتی مطرح شد، هر چند قدمت این مباحث در سیاست‌دارای سابقه تاریخی است اما در عصر جهانی شدن و گسترش فناوری‌های نوین بر دامنه آن افزوده شده است. ویژگی‌هایی چون شبکه‌ای شدن، اطلاعاتی شدن، ناملموس شدن خطرات، بازیگری قدرت‌های کوچک، خشونت پرهیزی، هویت محوری و مباحثی از این دست، ماهیت تهدیدها و جنگ‌ها را دگرگون ساخته است به گونه‌ای که جنگ نرم وارد محیط راهبردی و امنیتی گشته است. جنگ‌های نوین در پناه ابعاد نرم‌افزاری دارای بعد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و آموزشی است و این‌ها نشان‌دهنده گسترش دامنه تهدیدات در عرصه بین‌المللی است که برخلاف رویکرد یک‌جانبه و سخت‌افزارانه جنگ‌های کلاسیک و سنتی، به ابعاد مختلف جامعه هدف توجه دارد و همین امر لازمه تأمین امنیت در جنبه‌های گوناگون را لازم و ضروری می‌گرداند. به

عبارتی دیگر، امنیت به صورت کلاسیک و سنتی آن که فقط مربوط به حوزه سخت افزار بوده و در عصر نوین نمی تواند کارایی زیادی داشته باشد و اتخاذ رویکردی همه جانبه در حوزه امنیت می تواند کشورها را صیانت نماید و این نوع نگاه در رویکرد گفتمان ایجابی امنیت قابل احساس می باشد. تضعیف پارادایم واقع گرایی و به تبع آن کاهش استفاده از قدرت سخت در جنگ، زمینه های تحول گفتمانی امنیت را فراهم نمود و امروزه شاهد گذار از امنیت سخت به یک امنیت همه جانبه و نرم افزاری هستیم. در این گفتمان از امنیت، به جای توجه بر خاستگاه خارجی تهدیدات و ماهیت نظامی آن بر نقش عوامل داخلی مثل مباحث اقتصادی، سیاست داخلی، فرهنگی، علم و دانایی، سیاست سازی ها و غیره توجه می شود. با این تفاسیر امنیت نرم اشاره به امنیتی دارد که از بازیگران سیاسی در عرصه روابط بین الملل در قبال صدمات و خطرات به گونه ای ملایم و ناملموس حراست می کند. در یک جمع بندی باید اذعان داشت که گسترش دامنه تهدیدات به وسیله جنگ های نوین و تهدیدات نرم، اتخاذ یک امنیت متناسب با ماهیت این تهاجمات را ضروری ساخته است که با عنوان «امنیت نرم» شناخته می شود.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، فرهنگ امنیت جهانی، در امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، معمای امنیت عمومی؛ درآمدی بر جایگاه تازه پلیس در جامعه، در کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس، جلد ۲، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۹۰)، جنگ نرم: شناسایی عرصه‌های نوین دفاع، در جنگ نرم عرصه دفاع ملی، به کوشش محمود عسگری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. انعامی علمداری، سهراب (۱۳۹۰)، قدرت هوشمند و مهندسی در جنگ نرم، در جنگ نرم عرصه دفاع ملی، به کوشش محمود عسگری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۵. بوزان، باری (۱۳۸۱)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸)، «بازتولید گفتمانی: راهبرد استقرار امنیت نرم در جامعه ایرانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، پاییز، (شماره مسلسل ۴۵)، شماره ۳.
۷. پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹)، «مفهوم شناسی گفتمان نرم و محیط راهبردی متأثر از آن»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، بهار، شماره ۲۸.
۸. رجیبی پور، محمود (۱۳۸۴)، درآمدی بر عوامل موثر بر احساس امنیت، در کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس، جلد ۲، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
۹. سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۰)، جنگ نرم و ملاحظه‌های دفاعی - امنیتی، در جنگ نرم عرصه دفاع ملی، به کوشش محمود عسگری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. صادقیان، سید جلال (۱۳۸۴)، درآمدی بر امنیت و ابعاد و گستره آن، در کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس، جلد ۲، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
۱۱. ضابط پور، غلامرضا و سیدمحمدجواد قربی (۱۳۹۰)، «جستارهایی در باب قدرت نرم و ارائه راهبردهای مقابله برای ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، بهار، شماره ۵۳.
۱۲. عبدی، رمضان علی (۱۳۹۱)، «اقتدار پلیس و سرمایه اجتماعی»، روزنامه اعتماد، ۱۲ مهرماه، شماره ۲۵۰۹.
۱۳. غزبایق زندی، داود (۱۳۸۸)، «چیستی معنا و مفهوم امنیت نرم، با مروری بر وجه نرم امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، پاییز، (شماره مسلسل ۴۵)، شماره ۳.

جنگ نرم و رویکرد نرم‌افزاری امنیت / ۵۳

۱۴. قاضی زاده فرد، سید ضیاء‌الدین (۱۳۹۰)، **جنگ‌های اطلاعاتی ابزاری برای مقابله با جنگ نرم، در جنگ نرم عرصه دفاع ملی، به کوشش محمود عسگری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).**
۱۵. قالیباف، محمد باقر (۱۳۸۴)، **راهبردهای تأمین امنیت اجتماعی در شرای تحول نسل، در کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس، جلد ۲، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.**
۱۶. کریمی مله، علی و اکبر بابایی (۱۳۹۰)، **امنیت ملی از منظر امام خمینی(ره)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.**
۱۷. کریمی مله، علی و اکبر بابایی و کاوه امیرخانی (۱۳۸۹)، «**تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی(ره)**»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، پاییز(شماره مسلسل ۴۹)، شماره ۳.
۱۸. کین لای، آردی مک و آر لیتل (۱۳۸۰)، **امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.**
۱۹. ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۸)، «**امنیت نرم و چهره ژانوسی رسانه‌ها**»، فصلنامه رسانه، تابستان، شماره ۷۸.
۲۰. متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، **جنگ نرم در فضای منازعات نامتقارن، در جنگ نرم عرصه دفاع ملی، به کوشش محمود عسگری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).**
۲۱. مرادیان، محسن (۱۳۹۰)، **جنگ نرم، پدافند نرم، در جنگ نرم عرصه دفاع ملی، به کوشش محمود عسگری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).**
۲۲. موذن جامی، محمدهادی (۱۳۸۴)، **مقدمه‌ای بر امنیت و مؤلفه‌های آن، در کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس، جلد ۲، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.**
۲۳. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، «**بررسی تطبیقی تهدیدهای سه گانه سخت، نیمه سخت و نرم**»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، بهار، شماره ۲۸.
۲۴. نائینی، علی محمد (۱۳۹۰)، **درآمدی بر جنگ نرم از منظر رهبر انقلاب اسلامی، در جنگ نرم عرصه دفاع ملی، به کوشش محمود عسگری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).**
۲۵. نصری، قدیر(۱۳۸۸)، «**مؤلفه‌های تهدید نرم؛ مرور چند تجربه**»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، پاییز(شماره مسلسل ۴۵)، شماره ۳.
۲۶. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، **امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.**

۲۷. یزدان فام، محمود (۱۳۸۸)، «امنیت نرم و چرایی آن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، پاییز، (شماره مسلسل ۴۵)، شماره ۳.

(ب) منابع انگلیسی

28. Nye, Joseph (1990). **Bound To Lead: The Changing Nature Of American Power**. New York: Basic Books.
29. Nye, Joseph.S (2002). "Propaganda Isn't the War: Soft Power". **The International Herald Tribune**. January 10.
30. Rasmusson, Lars And Sverker Jansson(1996). **Simulated Social Control For Secure Internet Commerc**, In Catherine Meadows(ed) Proceedings Of The1996 New Security Paradigms Work Shop. New York: ACM Press.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی